

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

ستاره‌ها



زلتان ابراهیموویچ
ستاره سابق
تیم ملی سوئد

واضح بود که در این جام جهانی، من در تیم ملی کشورم بازی نخواهم کرد. اما به روسیه آمدم، چون همان طور که چهار سال پیش گفتم، جام جهانی بدون من ارزش تماشا ندارد! از بودن در روسیه خوشحالم. این بزرگترین گردهمایی دنیاست و می‌خواهم از آن لذت ببرم.

گفته‌ها:

جونم عادل



مهرنوش گرکانی

روزنامه‌نگار

«تو این مملکت فقط فوتباله که می‌تونه دل مردم رو شاد کنه نه هیچ چیز دیگه‌ای.» شاید خیلی هم این کنایه عادل فردوسی‌پور بیره نباشد. جمعه شب یک ملت خوشحال شدند. بعد از ۲۰ سال دوباره ایران در بزرگترین تورنمنت فوتبالی جهان به پیروزی رسید. شاید اوایل بازی هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد ایران در این بازی پیروز شود. همان طور که عادل هم در دقیقه‌های اول گفت همین الان هم بازی با نتیجه تساوی تمام شود ما ماضی هستیم. اما این بازی باید تمام می‌شد تا ما برنده از زمین بیرون بیایم، تا چه‌جای تیم ملی در رختکن خوشحالی کنند، تماشاچیان بازی در سن پترزبورگ و ایرانیان در خیابان‌های کشور. جمعه شب خیابان‌های تمام ایران با صدای بوق‌ها و شیپور و خوشحالی مردم منفجر شد. مردم ما که کمتر بهانه‌ای برای خوشحالی و کارناوال خیابانی دارند از همین فرصت‌های اندک برای جشن‌های خیابانی استفاده می‌کنند و شهرها را به هم می‌ریزند تا نشان دهند که چطور پشت قهرمانان می‌ایستند و از آنها حمایتی کنند.

جمعه شب عادل سعی کرد برنامه‌ای بی‌نقص ارائه دهد. از ساموئل اتوئو دعوت کرد تا به ایران بیاید و در برنامه‌اش حضور داشته باشد. شاید خیلی هم ربطی نداشت، اما به هر حال اتفاق بزرگی برای تلویزیون ایران بود که میزبان ساموئل اتوئو، ستاره کلمرونی سابق تیم بارسلونا باشد. حتی او هم به برد ایران خوشبین نبود. با آن که به قول خودش رفاقتی با کی‌روش دارد، اما برد ایران را بعدی می‌دانست.

فردوسی‌پور خودش گزارش بازی را به عهده گرفت. گزارش یک بازی حساس برای تمام ملت ایران. فردوسی‌پوری که می‌خواست در همان دقیق اول بازی مساوی تمام شود، رفته‌رفته با کنایه‌هایی که می‌زد و اصطلاحاتی که در گزارش خود به کار می‌برد، یک گزارش خوب را ارائه داد. هر چند گزارش عادل بی‌سوتی هم نبود، اما مردم ایران گزارش عادل را دوست داشتند، شاید چون بازیان مردم با مردم صحبت کرد.

عادل به مهدی طارمی تیکه انداخت و امیدوار بود ورود او به بازی خیریتی داشته باشد، چند بار برای امید ابراهیمی ای‌جان گفت و وقتی داور خطا را ندید، گفت: آخ جون خطا نگرفت و زمانی که حمله به سوی دروازه ایران انجام شد از ته دل گفت با علی! فردوسی‌پور هم مثل بقیه مردم دلش برای ایسن بازی می‌تپید. دلش می‌خواست ایران این بازی را برود و همین هم باعث شد تا زبانش راحت بچرخد و از اصطلاحات عامیانه در گزارش استفاده کند.

اما مردم ایران یا بهتر است بگوییم زنان تماشاچی ایرانی در تلویزیون ایران هیچ سهمی ندارند. زانی که پایه‌های مردان تیم کشورشان را تشویق می‌کنند تا روسیه رفته‌اند تا شاید برای نخستین بار در ورزشگاه فوتبال ایران را ببینند و با جان و دل برای بدنشان فریاد بکشند. صدای زنان ایرانی هم مانند خیلی از مردان ایرانی به خاطر تشویق تیم ملی فوتبال کشورشان گرفت، اما کسی از صدای آنها حرفی نزد و تصویری از آنها نشان نداد.

تمام صحنه‌های تماشاچیان ایرانی بازی ایران و مراکش سانسور شد. تلویزیون ما زنان مراکشی را نشان داد، اما زنان ایرانی را سانسور کرد تا کسی نبیند که زنان در ورزشگاه سن پترزبورگ کنار مردان دیگر به تماشای فوتبال ایران نشستند. تلویزیون ایران حتی صدای زنان ایرانی در خیابان‌های شهر را هم با سانسور نشان می‌دهد و این نخستین باری نیست که این اتفاق می‌افتد. شاید پوستر نصب‌شده در میدان ولیعصر بعد از انتقادات شدید عوض شود، اما بعید به نظر می‌رسد انتقادات از صداوسیما در سانسور نکردنشان باعث تجدیدنظرشان شود.



بازی اسپانیا و پرتغال با تساوی ۳-۳ به پایان رسید و این شاید، نتیجه‌ای بد برای تیم ملی ایران است. حالا اسپانیا و پرتغال جنگنده‌تر از قبل به سراغ ایران و مراکش می‌آیند تا امتیاز برد را بگیرند و به مرحله بعدی صعود کنند.

پس از پیروزی تیم فوتبال ایران مقابل مراکش تعداد زیادی از شهروندان تهرانی در خیابان‌ها به شادی پرداختند

«همه شاد و خوش و نغمه زنان»

الان نتوانستیم توی کشور خودمون ورزشگاه بریم. امروز اما انگار ورزشگاه بودیم. همه کنار هم خوشحالیم.» سربازی کنار سفارت عراق ایستاده و توضیح می‌دهد که ای کاش همیشه این قدر شاد باشیم. «در این چندماه این اولین شادی دسته‌جمعی ما ایرانی‌هاست. حق دارند تا صبح توی خیابون برقصند. همه مشکل اقتصادی داریم حداقل بذار با این فوتبال یک شب خوش باشیم. با دم این فوتبالیستامون گرم.» با هر کسی که هم کلام شوید مدام همین جملات را تکرار می‌کنند: این که ما نیاز به شادی جمعی داشتیم و مدت‌هاست که همه با هم شاد نبودیم.

ساعت از نیمه‌شب گذشته است و خیابان‌ها خلوت‌تر شده، اما همچنان این صدای بوق است که شنیده می‌شود. نیروی انتظامی از گروه‌های باقی‌مانده در میدان ولیعصر می‌خواهد که «دیگر به خانه‌های خود برگردند» اما انگار گوش کسی چندان بدهکار این جملات نیست و مامور پشت بلندگو هم این بار کمی خشونت و جدیت را وارد لحنش می‌کند. حالا نوبت راننده اسنپ است که توضیح داد این مردم باید برای اعتراض به گرانی و فساد به خیابان بیایند و نه برد در یک مسابقه ورزشی. راننده ۴۲ ساله کمی جلوتر که می‌رود فیلش یاد ۲۰ سال پیش می‌کند که فوتبال‌یست‌های ملی را می‌شناخت و هنوز هم آنها را به یاد دارد: «آن موقع خیابان‌های تهران غوغا شده بود. نصف‌شب تمام مردم به خیابان آمدند و خوشحال بودند. ایران، آمریکا را برده بود. اون گل استیلی را همیشه فراموش کرد. مثل گل مارادونا بود. همون دست خدای معروف.»

دوره از جام جهانی، آن هم در بازی‌ای که ایران چندان هم نسبت به حریف برتری نداشت و گل دقیقه ۹۵، شور و لذت پیروزی در عید فطر را برای ایرانیان چندبرابر کرده، اما آن طور که خود مردم می‌گویند، این حجم از شادی نیاز کنونی جامعه امروز ایران هم بوده و دلایل غیر فوتبالی هم دارد. سه دانش‌آموز دختر برای استراحت کنار یک آبمیوه‌فروشی ایستاده‌اند و یکی از آنها توضیح می‌دهد که چرا برد امروز او را خیلی خوشحال کرده است: «این همه مدت دوست داشتیم ورزشگاه بریم و این همه هم حرف زدند، ولی ما تا

شهروند | سوت پایان سومین بازی جام جهانی در ورزشگاه «کرسٹوفسکی» سن پترزبورگ به صدا درآمده و حالا این خیابان‌های ایران است که چهره عوض می‌کند. تقاطع خیابان جمهوری و حافظ در پایتخت ایران، صدای فریاد دستفروشان موبایل‌های کار کرده به حاشیه می‌رود و چهره‌های گرفته‌واخمو روزهای گذشته، بال‌بند و هیجان یک شادی ملی جایگزین می‌شود. جمعیتی که صدای‌های سالن سینمایی و فضای فودکوردت چارسو را برای تماشای فوتبال انتخاب کرده بودند، با رقص و شادی، ایران ایران می‌گویند و به خیابان می‌آیند. صدای بوق و شیپور از هر سمتی به گوش می‌رسد و هم‌زمان موبایل‌ها در حال ثبت عکس‌های سلفی و واکنش مردم به دومین پیروزی ایران در تاریخ جام جهانی فوتبال است.

کارناوال‌های شادی، خیابان‌ها را قرق کرده و ترافیک به سمت خیابان ولیعصر سنگین‌تر می‌شود. چهارراه ولیعصر و کنار ساختمان تئاتر شهر، صدها دختر و پسر، با هم بالا می‌پرند و پایین می‌آیند و حالا دیگر صدای شان به سختی از گلو در می‌آید. نیم‌ساعت از پایان بازی گذشته و جیغ و فریادهای لحظات اولیه، فروکش کرده است. حالا بیشتر صدای بوق خودروها و آنگ‌هایی است که از داخل این خودروها با صدای بلند پخش می‌شود، شنیده می‌شود. ماموران انتظامی در فاصله چهارراه ولیعصر تا میدان ولیعصر ایستاده‌اند و شادی مردم را تماشا می‌کنند.

پیروزی در نخستین بازی ایران در این



چرا ملی پوشان پس از برد ناراحت بودند؟

رمزگشایی از یک کینه قدیمی که کی‌روش و شاگردانش هنوز آن را فراموش نکرده‌اند



افتادند و حالا اتحاد میان کادرفنی و بازیکنان سبب شده تا بازیکنان نیز پشت مربی محبوبشان دربیایند. در این شرایط اعضای تیم ملی همواره در ذهن خود این را به یاد می‌آورند که عده‌ای از موفقیت‌هایشان خوشحال نمی‌شوند و همین امر می‌تواند دلیلی برای تلاش بیشتر نزد آنها باشد.

کی‌روش رسید تا وقتی از او درباره حمایت‌ها تیم ملی سوال شد، به چشمان آن خبرنگار خیره شود و بدون این که نگاهش منحرف شود، این‌طور حرف بزند: «شما نمی‌توانید بگویید حمایتی انجام شده، اصلا شما چگونه این حرف را می‌زنید، ما خودمان بودیم و روی پاهای خودمان ایستادیم. شما هم لطفاً نگویید حمایت‌ها کامل بوده است.» چند دقیقه بعد کی‌روش که کاملاً احمق برچهره داشت، بار دیگر در مواجهه با یک خبرنگار دیگر گفت: «لان که بردیم، همه‌تان از ما حمایت می‌کنید.» بازیکنان و سرمربی تیم ملی همه بعد از برد از دشمن فرضی صحبت کردند که می‌شود حدس زد منظورشان علی کریمی و برانکو ایوانکوویچ و همه آنها بی بودند که به برنامه‌های تیم ملی خدشه وارد کردند. افرادی که با انتقادهای لفظی در رسانه‌ها و البته ندادن بازیکنان خود به تیم ملی از چشم کی‌روش

شهروند | حسنی که بازیکنان تیم ملی بعد از برد مقابل مراکش داشتند، تلفیقی از غم و شادی بود. اگرچه شیرینی پیروزی در نخستین دیدار جام جهانی می‌توانست همه کینه‌ها و اتفاقات قبلی را پاک کند اما بازیکنان نتوانسته بودند انتقادهایی که از آنها چند هفته مانده به جام جهانی شده بود را فراموش کنند. وقتی کریم انصاری فرد به عنوان نخستین بازیکن از رختکن خارج و وارد میکسدزون شد، می‌شد از چهره برافروختنش خیلی مسائل را فهمید بیشتر که صحبت کرد، نتوانست خودش را کنترل کند و بغضش ترکید. کریم در حالی که اشک می‌ریخت، گفت: «ما خیلی سختی کشیدیم، خیلی اذیت مان کردند. خیلی‌ها دوست نداشتند ما موفق شویم، دوست دارم بدانم الان آنها حس و حالی دارند.» چند دقیقه بعد علیرضا جهانبخش همین حرف‌ها را زد و سپس نوبت به

خبر ویژه

ترازوی عزیز، تاوان برد بزرگ ایران



پل هایوارد

نارنگار

شهروند | هایوارد، نویسنده ارشد ورزشی روزنامه دلی تلگراف چاپ لندن و نویسنده چندین کتاب فوتبالی مهم مانند کتاب‌های زندگی‌نامه بابی رایسون، الکس فرگوسن و مایکل اوون است. یادداشت او که این روزها در سن پترزبورگ به سر می‌برد به بازی ایران و مراکش و تقابل‌های گوناگون این دو کشور می‌پردازد.

مراکشی‌ها عجب هفته فوق‌العاده‌ای داشتند! کشتی میزبانی آنها در جام جهانی ۲۰۲۶ به گل نشست و بعد از آن، عزیز بوحدوز، روی یک ضربه ایستگاهی از سمت ایران، دروازه خودشان را باز کرد و بازی مالکنانه‌ای را که در اختیار، از دست دادند. دو سقوط در سه روز.

ایران فقط یکبار در جام جهانی پیروز شده بود، برابر آمریکا در سال ۱۹۹۸ که یک پیروزی توامان سیاسی و فوتبالی بود و حالا یک شکست تلخ برای مراکش، که عزیز بوحدوز را شکست و او را به گریه انداخت.

شاید عزیز برای آرام شدن باید به لوریس کریو، دروازه‌بان لیورپول زنگ بزند که دو اشتباه فاجعه او در بازی برابر رئال مادرید در لیگ قهرمانان اروپا، یک ویرانی بزرگ برای یک بازیکن بود، اما به فنا دادن یک تیم ملی در جام جهانی، آن هم در گروهی که اسپانیا و پرتغال حضور دارند، داستان بزرگتری است. بوحدوز، در حالی در دقیقه ۷۷ برای کمک به دفاع تیمش به زمین آمد که آنها در حال از دست دادن مالکیت ۶۴ درصدی و تعداد پاس‌های زیادشان بودند. اما عزیز کمکی به آنها نکرد و در پنجمین بازی نخست خود در جام‌های جهانی‌شان، از ۱۹۷۰ تا امروز، یک شکست دیگر عایدشان شد.

یک بسته شگفت‌انگیز از اتفاقات جالب، در روزی که ۲۵۰۰ تماشاگر ایرانی و مراکشی در استاد بوم، با حضور کارلوس کی‌روش، مربی تیمی که نامش «ملی» است، ناظر بازی بودند، بسیار جالب بود.

کی‌روش که سه کشور را به جام جهانی برد، تا حالا از رقابش هدیه‌ای به این شیرینی دریافت نکرده بود، هر چند بر خورد غیر عمد حاج صفا با نورالدین امرابات و ضربه سنگین زمین به صورت او و خروجهش، پیش زمینه دریافت این کادو بود.

پزشکان مراکش، امرابات را که گیج و گنگ بود، در بغل گرفته و بین برگرداندن او به زمین و بیرون بردنش مردد بودند، اما مشاوران عاقل دست به کار شدند و با تعویض او به جانش رحم کرکند، هر چند یک پیروزی بزرگ را به ایران تقدیم کردند.

تیمی که دفاع خوبی داشت، با بازیکنانی مثل اشرف حکیمی رئال مادرید، بن‌علیه بوونتوسی و غانم سیسیس که عالی بود و رکورد طولانی شکست نخوردن مراکشی‌ها، که این بار در بدترین زمان شکسته شد. در ورزشگاهی که الکساندر بورنیکوف، رئیس امنیت فدرال روسیه و سرگنی کرپکالوف، فضانورد شهیر روس هم شاهد این نمایش سرگرم کننده‌ها را تماشا کردند.

حالا عزیز بوحدوز بخت برگشته، در کنار یوسف چیچو، دیگر زننده گل به خودی مراکش در ۱۹۹۸ قرار گرفت، اما این گل به خودی درنکاتر بود، چرا که ایران، دو روز قبل از بازی، در مراسم رأی‌گیری میزبانی جام جهانی ۲۰۲۶ هم به آنها رأی نداده بود.

آنها هم‌خام دیگری هم از ایران بر پیکر دارند. با این برد در نخستین بازی، زنان و مردان ایرانی که حالا در کنار هم در استاد بوم حاضر بودند، در کنار دو برد ایران در جام جهانی فوتسال و یک برد در فوتبال ساحلی، حالا ایران ۴ بر صفر از مراکشی‌ها پیش‌است.

